

مقایسه تطبیقی نظریه ولایت انتصابی عامه فقیهان با نظریه های دولت مدرن

حسن آرایش^۱، مرتضی باقری^۲، مجید خسروی زاده^۳

^۱ دانشجوی دکتری مسائل ایران دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

^۳ کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران

چکیده

از آنجا که دین اسلام یک دین شریعت محور می باشد به عبارت دیگر دین کاملی است که در همه حوزه های زندگی انسانها سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حرفی برای گفتن دارد و به مثال برخی ادیان دیگر محدود به حوزه خصوصی نیست. در زمینه سیاسی فقهای اسلام با اجتهاد خود نظریه های گوناگونی در مورد حکومت در دین اسلام بیان داشته اند. یکی از این نظریه ها، نظریه ولایت انتصابی عامه فقیهان است. در این پژوهش بر آن هستیم که به مقایسه این نظریه با نظریه های دولت مدرن بپردازیم و وجوه افتراقات و اشتراکات نظریه ولایت انتصابی فقیهان و نظریات دولت مدرن را به بحث بگذاریم.

واژه های کلیدی: دولت مطلقه، دولت سرمایه داری، دولت کمونیستی، نظریه ولایت انتصابی عامه فقیهان

مقدمه

برای مقایسه این دو فقره ابتدا باید به استخراج معیارهای پرداخت به نظر می رسد بهتر این باشد ابتدا به سراغ نظریه ولایت انتصابی فقیهان رفته و معیارهای قابل مقایسه را استخراج کنیم تا این معیارها را از دولت های مدرن استخراج کنیم؛ چرا که این دو مورد در دو فضای متفاوت به لحاظ پیشینه و تاریخ هستند.

تعریف دولت مدرن و دولت از نظر اسلام

از آنجا که متفکران گوناگون تعاریف متفاوتی از دولت مدرن ارائه داده اند در ذیل تعریف دولت مدرن را از کتاب سیاست اندرو هیوود که به نظر جامع و مانع میرسد انتخاب شده است. هیوود معتقد است که "دولت مدرن، انجمنی سیاسی است که در درون مرزها تعریف شده سرزمینی صلاحیت حکمرانی خود را اعمال می کند و با استفاده از مجموعه ای نهادهای دائمی اقتدارش را به کار می برد. این نهادها آنهایی اند که عمومی شناخته می شوند چرا که مسئول سازمان دهی زندگی اجتماعی اند و به هزینه مردم تاسیس شده اند از این رو دولت در بر گیرنده ی نهادهای گوناگون حکومت است و در عین حال دادگاهها، صنایع ملی شده، سیستم تامین اجتماعی و مانند آن را نیز در بر می گیرد و می توان آن را با کل هویت های سیاسی یکسان دانست ماکس وبر جامعه شناس آلمانی دولت را بر انحصاری که بر ابزار خشونت مشروع دارد تعریف می کرد. (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

دولت در اسلام یا دولت اسلامی نیز دارای تعاریف گوناگونی است ولی در این پژوهش هدف ما از دولت در اسلام تلقی خاص فقیهان آنان که در چارچوب نظریه ولایت انتصابی عامه فقیهان نظریه پردازی کرده اند پرداخته می شود.

این فقیهان به طور دقیق تعریفی از دولت در اسلام نکرده اند بنابراین به نظر می رسد با پاسخ به سؤالاتی همچون فقیهان در مورد عناصر دولت مدرن چه نظری دارند؟ نظر آنان در مورد نهادهای دولت چیست؟ اقتدار دولت از کجا نشأت می گیرد؟ مبنای مشروعیت آن چه می باشد؟ حوزه اختیارات دولت تا کجا گسترده است؟ و.... به تعریف جامع و مانع از دولت در اسلام در نظریه مورد نظر دست یافت؟

انواع دولت مدرن

هر اندیشمندی بر اساس یک سری دلایل ویژه خود الگوهای متفاوتی را از دولت مدرن ارائه داده است. بنابراین تنوع بسیاری در الگوها مشاهده می شود در این پژوهش مبنای کار برای بر اساس پیمان وستفالیایی (۱۶۴۸) قرار داده شده است. بنابراین سه نوع دولت مدرن در اینجا شکل می گیرد:

۱. دولت مطلقه در قرون ۱۷ و ۱۸؛

۲. دولت های کمونیستی؛

۳. دولت های سرمایه داری.

لازم به ذکر می باشد که این سه نوع دولت مورد نظر در تاریخ سیاسی ایجاد شده ان و صرفاً در نظریه نیستند. به عبارتی دیگر هم در تئوری اند هم امر واقع، که دارای تفاوت‌های در نظر و عمل شده است.

معیارهای مقایسه

نظر بر این شد که براساس پنج معیار کلی به مقایسه پرداخته شود که سیمای دوفقره موردنظر کاملاً آشکار شود. به قول معروف مصداق این ضرب المثل "چون که صد آمد نود هم پیش ماست" گردد.

و این معیارها بر اساس یک ارتباط مفهومی - درونی به ترتیب آورده می شود.

۱. مسئله ماهیت و طبع انسان؛

۲. نظریه دولت به عنوان پدیده ای مکانیکی یا ارگانیکی؛

۳. مبنای مشروعیت؛

۴. حق انقلاب؛

۵. شکل آرمانی دولت.

مسئله ماهیت و طبع انسان

از آنجا که اغلب الگوهای دولت مدرن استدلال‌های خود را بر پایه فرضیاتی درباره نهاد انسان استوار کرده اند و هر کدام از آنها برداشت خاصی از طبع انسان ارائه کرده اند که این برداشت نقش تعیین کننده ای در دستگاه کلی آن دولت دارد به عبارتی دیگر اختلافات اساسی آنها به نحوه ی نگرش آنها به نهاد آدمی باز می گردد و بسیاری از مسائل ثانویه را باید در برداشت خاص آنها از طبع بشر جست و جو کرد. (بشیریه، ۱۳۸۳: ۱۳).

دولت مطلقه

انسان را طبعاً فرد گرا می داند، اگرچه انسان موجودی عقلانی می باشد اما روی هم رفته احساس و عواطف عوامل تعیین کننده رفتار انسان اند و انگیزه های او غیر عقلانی یعنی غیر قابل کنترل اند (انسان طبعاً مجبور است). همچنین دولت محصول قرارداد اجتماعی است که با نگاه به وضع طبیعی که انسانها در آنجا سعادت مند نبودند، انسان موجودی غیر سیاسی است (ترس) و دولت شر ضرور می باشد و نهایتاً این که انسان ها از حقوق یکسان در جامعه برخوردارند (همان، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۴).

دولت سرمایه داری

در این دولت نگاه به انسان فرد گرایانه است، انسانها از خرد بهره مند هستند و خرد انسان ضامن آزادی آنهاست (عقلانی و آزاد هستند) دولت را محصول قرارداد اجتماعی می دانند (بانگاه مثبت لاک و نگاه خنثی روسو به انسان) همچنین انسانها راه افرادی سود جو که به دنبال منافع خویش اند. دولت شر ضروری است که به عنوان یک بی داور بی طرف میان گروهها و افراد رقابتگر در جامعه به نگاه می شود و این که انسانها را یکسان و برابر می باشند در مقابل قانون جامعه. (بشیریه، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۳).

دولت کمونیستی

کمونیست ها انسانها را موجوداتی اجتماعی می دانند، موجودی محجوب به این معنا که پشت پرده نشسته و در حجاب قرار گرفته (سروش، ۱۳۷۸: ۲۹)، به علاوه انسان کمال پذیر است یعنی توانایی ادراک حقیقت را دارند. آنها به وجود دولت معتقد نیستند چون که دولت را برآمده از طبقات بالای جامعه می دانند و نگاه طبقاتی به جامعه انسانی دارند (بشیریه، ۱۳۸۳: ۱۵).

نظریه ولایت انتصابی عامه فقیهان

فقیهان این نظریه انسان را موجودی اجتماعی می داند موجوداتی که عقلانی و آزادند (البته در جارچوب شریعت اسلام) معتقد اند که ولایت فقیهان عادل عقد نیست که با شرط ضمن عقد مقید به شرایطی شود (کدیور، ۱۳۷۶: ۸۷). انسان موجودی آموزش پذیر است در نتیجه انسانها به کمال می رسند. تشکیل دولت برای جامعه انسانی کاملاً ضروری است و اینکه انسانها بخاطر دین شان در جامعه از برابر نیستند یعنی دید طبقاتی به انسان دارند (سروش، ۱۳۷۸: ۳۰).

۲. نظریه دولت به عنوان پدیده ای مکانیکی یا ارگانیکی

در اینجا ابتدا توضیحی در باره دولت ارگانیکی و مکانیک داده می شود سپس براساس ویژگی های این دو فقره نوع هر دولت مشخص می شود

ویژگی دولت به عنوان پدیده ارگانیکی:

الف. دولت از حیث کارکرد و تکوین یک ارگانیسمی متضمن تنوع و پیچیدگی است.

ب. دارای سه خصلت: ارتباط داخلی میان اجزا، توسعه و رشد از درون و درونی بودن هدف و غایت است.

ج. منافع اجزا در مقابل مصلحت کل از اهمیت درجه دوم برخوردار است.

د. تجزیه انسان، جامعه و دولت نارست تلقی می شود.

ه. دولت ابزاری نیست که انسان برای تامین هدفی خاص آن را ایجاد کرده باشد بلکه مانند خانواده و جامعه مدنی ارگانیسمی است که خود تحول و تکامل یافته است و خود حاوی غایاتی بالا تر از غایات جزئی و فردی است.

ژ. دولت نظریه عقلانی و طبیعی است به این معنی که انسان می تواند با بهره گیری از عقل خود نهاد طبیعی و مستقل دولت را در یابد به عبارت دیگر انسان دولت را به حکم و اراده خویش پدید نیاورده است.

ویژگی دولت به عنوان پدیده مکانیکی

الف. دولت حاصل عمل ارادی انسان است (قراردادی بودن دولت).

ب. دولت از جامعه و فرد تجزیه می شود.

ج. دولت برای انسان وجود دارد نه انسان برای دولت.

د. به بهای تعهدات و محدودیت ها، اهدافی برای فرد به وجود می آورد که صلح، امنیت و آزادی است (بشپریه، ۱۳۸۳: ۲۲-۲۳).

با توجه به ویژگی های که از برداشت ارگانیکی و مکانیکی دولت ارائه شد دولت مطلقه و سرمایه داری با برداشت مکانیکی هم خوانی دارد و دولتهای کمونیستی و نظریه ولایت انتصابی عامه فقیهان با برداشت ارگانیکی از دولت.

۳. مبنای مشروعیت

در این جا این سوال مطرح می شود که تصمیمات دولت برای افراد جامعه از چه لحاظ و به چه طریقی برای مردم الزام آور می شود؟

ماکس وبر جامعه شناس قرن نوزدهم و بیستم معتقد ایست که سه نوع مشروعیت وجود دارد: کارزماتیک، عقلانی و سنتی، بنظر دکتر سروش این تئوری یک تئوری مدرن می باشد و اگر بخواهیم نظریه های دولت اسلامی را بر اساس این نوع مشروعیت بسنجیم در واقع آن را از جای خود خارج کرده ایم و یک ناهم زمانی در اینجا رخ می دهد برای همین بهتر است مشروعیت دولت در نظریه ولایت انتصابی فقیهان را براساس الگوی زیر مورد بررسی قرار دهیم اگرچه براساس الگوی وبر دولت در این نظریه جز مشروعیت از نوع سنت قرار می گیرد. این نکته را باید در نظر داشت که هر دولت صرفاً از یک مشروعیت برخوردار نیست بلکه ترکیبی از چند مورد است.

مشروعیت از نظر فقیهان بر دو نوع: مشروعیت ثبوتی نصبی (مشروعیت الهی بلا واسطه) یا مشروعیت اثباتی تفویضی (مشروعیت الهی - مردمی) است. مشروعیت ثبوتی نصبی فقیه را کشف می کند نه نصب در حالی که مشروعیت اثباتی تفویضی نصب فقیه را به عهده مردم گذاشته که حاکم را با ضوابطی اختیار کنند (سروش، ۱۳۷۸: ۹۱-۹۰)

دولت مطلقه دارای مشروعیت سنتی است چرا که مبتنی بر سنت است و حکومت موروثی می باشد و اگر بپرسیم که مردم چرا هر حاکم اطاعت می کنند می گویند چون اطلاعات از حاکم سنت است.

دولت سرمایه داری دارای مشروعیت عقلایی است چون اعتقاد بر این است که به اعتبار قوانین موضوعه پدید آمده اند و بر صلاحیت کار کردی مبتنی هستند. دولت در نظریه کمونیستی محلی از اعتبار ندارد درواقع آنها به دنبال ایجاد جامعه ای بدون دولت اند پس هر نوع دولتی در نزد آنها فاقد مشروعیت است.

مشروعیت در نظریه ولایت انتصابی عامه فقیهان از نوع الهی بلاواسطه است چرا که اعتقاد دارند که روایات منقول از حضرات معصومین (ع) و دلایل عقلی و نقلی، در زمان غیبت امام زمان (عج) ولایت جامعه بشری از سوی شارع مقدس مستقیماً و بلا واسطه مردم به فقیهان عادل تفویض شده است شارع جاعل ولایت فقیهان عادل اولیا منصوب و مردم مولی علیهم محسوب می شوند (کدیور، ۱۳۷۶: ۸۲).

۴. حق انقلاب

با توجه به مبنای مشروعیت دولت ها می توان به اراده مردم در تشکیل و نظارت بر دولت و حق براندازی آن پی برد.

دولت مطلقه:

در این دولت اگرچه حاکم بر اساس قرارداد اجتماعی بر جامعه حکومت دارد ولی حاکم طرف قرارداد مردم نیست بنابراین حاکم دارای قدرت مطلق می باشد. پاسداری از وضعیت حاصل از قرارداد اجتماعی نیازمند اعمال قدرت و اجبار است اگرچه مردم دوطالبانه آن را می پذیرند با این حال عقلانی کردن زندگی سیاسی از طریق حاکم یک بار و برای همیشه به انجام می رسد و عصر اجبار در آن باقی می ماند (بشیریه، ۱۳۸۳: ۴۷).

حاکم به صورت تک ذهنی خیر و صلاح عامه را تشخیص می دهد براین اساس مردم بعد از تشکیل دولت دیگر آن اختیار قبل از حکومت را ندارند پس اگر چنانچه حاکم به وظیفه خود عمل نکند مردم حق مقابله با حاکم را ندارند هابز از برجسته ترین نظریه پردازان دولت مطلقه به دلایل ذیل با حق انقلاب مخالف است:

۱. امکان بازگشت به مرحله قبل از تشکیل دولت (وضعیت طبیعی) است؛

۲. مرسوم شدن آن و ایجاد هرج و مرج؛

۳. چون حاکم طرف قرارداد نیست مردم حق شورش ندارند. (وینسنت، ۱۳۸۹: ۸۴)

دولت سرمایه داری:

این دولت چون مردم نقش مهمی در تشکیل آن دارند درواقع دولت نهادها و گروه های مردمی هستند که با رقابت گروهی توسط مردم به انتخاب می شود تا جامعه را اداره کند، دوره انتخاب شدن آنها محدود می باشد حال که مردم نقش مهمی در

ایجاد، تشکیل و نظارت بر این دولت را دارند دولت باید نسبت به مردمی که آن را انتخاب می‌کنند پاسخگو باشد و چنان چه بر خلاف قانون عمل کند مردم حق دارند اداره جامعه را به گروهی دیگر سپارند.

دولت کمونیستی:

از نظر مارکس دولت محصول تعقل و قرارداد اجتماعی نیست بلکه نتیجه سلطه بخشی از جامعه بر بخش دیگر است و عمل کرد آن هم بازتاب سلطه منافع طبقه خاص و بنابراین غیر عقلانی است بنابراین حذف چنین دولتی و تشکیل جامعه بی طبقه با انقلاب کارگران از ایدئولوژی مارکسیست هاست (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

نظریه ولایت اتصابی عامه فقیهان:

در زیر ویژگی های از این نظریه بیان می گردد که خود روشنگر انقلابی یا محافظه کار بودن آن می باشد:

۱. فقیهان دارای مشروعیت الهی بلاواسطه اند؛

۲. مردم به عنوان مولی علیهم هرگز در عزل و نصب ولی فقیه دخالتی ندارند و فقیه با از دست دادن صفات عدالت یا فقاہت خود به خود عزل می شود؛

۳. مردم بلاواسطه یا به واسطه نمایندگانشان به عنوان مولی علیهم حق دخالت در اعمال ولی یا نظارت بر اعمال ولی را ندارند (البته طبق موازین اسلامی امر به معروف و نهی از منکر اگر ولی خلاف احکام اسلامی عمل کرد می‌تواند تذکرات لازم را به وی دهند)؛

۴. ولایت فقیهان عادل بر مردم قهری است نه اختیاری؛

۵. ولایت فقیهان عادل بر مردم دائمی است نه موقت؛

۶. ولایت فقیهان عادل عقد نیست تا بر شرط ضمن عقد مقید بر شرایطی مانند التزام به قانون اساسی شود (لازم به ذکر است آن چه قانون اساسی طبق موازین اسلامی باشد فقه نمی تواند از آن عدول کند (کدیور، ۱۳۷۶: ۸۱-۸۶).

۵. شکل آرمانی دولت

تامل درباره بهترین شکل حکومت جز جدایی ناپذیر فلسفه سیاسی است هر مکتب سیاسی براساس تفسیر خاص خود از والاترین غایت و خیر سیاسی، درباره بهترین شیوه سازمان دهی به زندگی سیاسی و اجتماعی سخن گفته‌اند. در این جا به این اشکال از نظر دولت های مورد بررسی می پردازیم.

دولت مطلقه:

در این نوع دولت که هابز و بدن از تئورسین های برجسته آن می باشند حکومت پادشاهی را بر دیگر اشکال آن ترجیح می دهند به علل زیر:

۱. وجود یک تصمیم گیرنده در کشور هماهنگ با نظم جهانی است از نظر این دیدگاه هماهنگی و تقارن در یگانگی است وجود خدای یگانه و وجود پادشاه یگانه با یک دیگر برابراند. (بدن)؛

۲. موجب ثبات اخلاقی و سیاسی می گردد (بدن)؛

۳. برای تامین صلح و امنیت مناسب تر است (هابز) (وینسنت، ۱۳۸۹: ۹۲)

دولت سرمایه داری:

در این دولت، دولت حداقلی شکل آرمانی می باشد که هدف آن تضمین بهره مندی افراد از گسترده ترین حد ممکن آزادی است همان طور که گفته شد این نظر ریشه در قرارداد اجتماعی دارد با این حال نظری منفی از دولت ارائه می دهد از این دیدگاه ارزش دولت آن است که آمادگی دارد رفتار بشر را محدود کند و از این راه افراد را از دست اندازی به حقوق و آزادی دیگران باز دارد دولت فقط مجموعه حمایتی است و وظیفه اصلی آن عبارت است از فراهم آوردن چارچوب صلح و نظم اجتماعی تا شهروندان بتوانند هر طور که بهتر می توانند زندگی خود را اداره کنند (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۴۲).

دولت کمونیستی:

جامعه کمونیستی جامعه بی طبقه ای است در این معنا که همه مردم به طور مشترک مالک ثروت جامعه می شوند و نظام تولید کالا جای خود را به تولید برای مصرف و برای تامین نیازهای واقعی انسان می دهد در این وضعیت انسان برای نخستین بار می تواند سرنوشت خود را تعیین کند و توانمندی خود را به طور کامل تحقق بخشد به این ترتیب انسان پیشا تاریخی به پایان می رسد (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

نظریه ولایت انتصابی عامه فقیهان:

آرمان این نظریه بر این قرار دارد که یک حکومت جهانی اسلامی را بنیاد گذارد و فرد لایقی را که دارای دو خصلت فقه‌هاست و عدالت است را در راس قرار دهد این نوع تفکر ریشه در نگاه امت گونه به جهان می باشد که در واقع از مبنا قرار دادن اعتقاد به عنوان عامل تقسیم بندی حکوت های جهان است. البته نا گفته نماند که حکومت آرمانی به شکل اصلی آن با ظهور منجی (عج) برقرار می گردد.

امام خمینی (ره) در کتاب کشف الاسرار که بر نظریه ولایت انتصابی فقیهان است طرحی از تشکیل دولت جهانی اسلامی قبل از ظهور امام عصر (عج) ارائه می دهد که مراحل آن به صورت زیر می باشد:

۱. چهره بد نشان دادن از حکومت های موجود و اثبات اینکه اسلام برای اصلاح و جایگزین کردن آنها راه دارد (حکومتی که خدا گونه هست و سر تا پا خیر و خوبی)؛ (خمینی، بی تا: ۳۰۷)
۲. تشکیل دولت اسلامی به مفهوم واقعی آن در یک کشور مسلمان (ایران)؛
۳. اعلام جهاد برای نشر عقاید اسلامی در دیگر کشورها برای اسلامی کردنشان (در صورت لزوم کشور گشایی و فتح ممالک دیگر)؛
۴. نزدیک کردن حکومت به معیار حکومت صدر اسلام؛ (خمینی، بی تا: ۲۴۵).

نتیجه گیری

همان طور که مشاهده شد هیچ کدام از این دولت های مدرن با نظریه ولایت انتصابی فقیهان تطبیق کامل نداشت اگرچه در برخی ویژگی ها شباهت های مشاهده شد ولی این دولت ها از اساس شکل گیری با نظریه ولایت انتصابی فقیهان که منشأ آن الهی است و خود که منشأ انسانی دارند متفاوت است. به عبارت دیگر اگر منشأ تشکیل دولت را بررسی کنیم و در معادله زیر قرار دهیم به آسانی به تفاوت آنها پی می بریم (بشیریه، ۱۳۸۳: ۴۷).

اگر منشأ دولت غیر عقلانی بدانیم باید انتظار داشت سازمان و عملکرد آن نیز چنین باشد و اگر دولت را منشأ عقلانی و قراردادی بدانیم در آن صورت باید سازمان و عملکرد آن عقلانی باشد.

منابع

۱. بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، عقل در سیاست، سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه شناسی و توسعه سیاسی، چاپ اول (تهران: نگاه).
۲. بشیریه، حسین (۱۳۸۷)، لیبرالیسم و محافظه کاری: تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم.
۳. خمینی، روح الله (بی تا)، کشف الاسرار، بی نا.
۴. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۷)، آئین شهریاری و دینداری، چاپ سوم (تهران: صراط).
۵. کدیور، محسن (۱۳۷۶)، نظریه های دولت در فقه شیعه، چاپ چهارم (تهران: نی).
۶. وینسنت، اندرو (۱۳۸۹)، نظریه های دولت، ترجمه دکتر بشیریه، چاپ هفتم (تهران: نی).
۷. هیوود، اندرو (۱۳۸۹)، سیاست، ترجمه عبدالرحمان عالم، چاپ اول (تهران: نی).